

## هیروگلیف‌های مایا

مهران کندری\*

### چکیده

تمدن مایا<sup>۱</sup> یکی از بزرگ‌ترین تمدن‌های آمریکای لاتین بوده که ۱۵۰ سال پیش کشف شده است. این قوم به زبان مایا سخن می‌گفتند و برای نوشتن از نوعی خط هیروگلیف استفاده می‌کردند که هنوز تمام آن خوانده و کشف رمز نشده است. هیروگلیف‌های این قوم معمولاً به صورت قطعات چهارگوش است و گاهی با افزودن پسوند و پیشوند و میانوند آن را تغییر داده‌اند. یکی از امریکاشناسان تاکنون ۴۹۲ نشانه اصلی و ۳۷۰ پیشوند و پسوند را برشمرده است، اما سه تصویر نگاشت باقیمانده از این قوم حاوی ۱۰۰۰۰ گلیف است. در مجموع، آنها نگاره‌هایی چند شکلی، اعضای انسان، چهره انسان و خدایان با ویژگی‌های حیوانی، سر حیوانات و پیکره‌های اسطوره‌ای هستند. این هیروگلیف‌ها خط هجایی محض نیستند، بلکه ضمن آن که اندیشه‌نگارانه‌اند، گاهی آوایی هم هستند. بنا به دلایلی چند می‌توان گفت که این خط منحصرأ در خدمت اشراف و روحانیون بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** هیروگلیف، تمدن مایا، آمریکای لاتین.

حدود ۱۵۰ سال پیش ویرانه‌های تمدنی در جنگل‌های جنوب مکزیک و سرزمین‌های مجاور کشف شد. این تمدن که به قوم مایا تعلق داشت، دارای سازگان نوشتاری خاصی بود که به هیچ یک از اشکال شناخته‌نشده نوشتاری شابهتی نداشت. این سازگان، در این صد ساله اخیر، به تدریج بخشی از اسرار خود را، گلیف<sup>۱</sup> به گلیف، بر مامکشف ساخت و اکنون می‌توان قدری از هیروگلیف‌های مایا، مردمان ساکن در سرزمین‌های پست را خواند.

در حال حاضر حدود ۲۰ قبیله از این قوم باقی مانده که به لهجه‌های مختلف زبان مایا سخن می‌گویند و در ایالت‌های یوکاتان،<sup>۲</sup> کامپچه<sup>۳</sup> و سرزمین کینتانا رو<sup>۴</sup> در مکزیک و همچنین در هندوراس پرتانیا زندگی می‌کنند. گروهی از سرخپوستان که به لحاظ زبانی بسیار نزدیک به آنان هستند نیز در ایالت چیپاس<sup>۵</sup> و در پتن<sup>۶</sup> گواتمالا به سر می‌برند. سرخپوستان مایا به خانواده زبانی و بزرگ مایا - کیچه تعلق دارند. قبایل این خانواده زبانی در گواتمالا، هندوراس و ایالت مکزیک چیپاس هستند. این خانواده زبانی به دو شاخه بزرگ تقسیم می‌شود: مایا و کیچه.<sup>۷</sup> شاخه مایا به چهار گروه و کیچه نیز به دو گروه تقسیم می‌گردد.<sup>۸</sup>

در واقع طرح اولیه هیروگلیف‌های مایا را تا سده چهارم قبل از میلاد پیگیری کرده‌اند، اما بعضی از مایاشناسان معتقدند که در سده اول میلادی شکل خاص خود را گرفته و در دوره کلاسیک تمدن<sup>۹</sup> این قوم که عصر طلایی آن است، به اوج شکوفایی خود رسیده است.

به هر حال امریکاشناسانی همچون بودز،<sup>۱۰</sup> بکلن<sup>۱۱</sup> و مورلی<sup>۱۲</sup> و یا مایاشناسانی مانند تامپسون<sup>۱</sup> و توزر هر یک درصد خاصی را برای میزان اطلاعات افزوده شده به تمدن مایا پس از رمزگشایی هیروگلیف‌ها در نظر گرفته‌اند، البته با توجه به

۱. منظور امریکاشناسان از گلیف در واقع همان هیروگلیف است و می‌توان گفت که گلیف مخفف هیروگلیف است و خط هیروگلیفی خطی است که بر اساس صورت‌نگاشت باشد. این خط را نخست شامپولین (Champollion) فرانسوی کشف کرد. همچنین لازم به تذکر است که به هر یک از اشکالی که مفهومی را می‌سازند نیز گلیف یا هیروگلیف گفته می‌شود.

2. Yucatan
3. Campeche
4. Quintana
5. Chiapas
6. Peten

۷. (Quiche) کلیه واژه‌ها بسته به این که به زبان اسپانیایی امریکای لاتین باشد یا زبان مایایی، به همان زبان هم تلفظ شده است.

8. A. Tozzer, 1974. *A Maya grammar*, Milwood, N. Y. Kraus print co. p. 4.

۹. تمدن مایا دارای سه دوره پیش از کلاسیک، کلاسیک و بعد از کلاسیک بود که تمدن دوره کلاسیک آن از سال ۳۰۰-۹۰۰ میلادی دوام آورد.

1. Baudez
2. Becquelin
3. Morley

این که تمام آنها کشف رمز نشده است. به هر حال این رمزگشایی باعث شد تا برخی از عناصر مبهم که در تاریخ، اسطوره، دین و به طور کلی در فرهنگ مایا موجود بود، آشکار گردد و به ویژه موارد مبهم در حیطه دین و اسطوره با کمک نقوش موجود در هنر و معماری این قوم شکلی کامل یافت.

موادی که هیروگلیف‌های مایا بر روی آن نوشته یا حک شده‌اند، عبارتند از: سنگ، چوب، گچ تزئینی، استخوان، صدف، فلز، سفال و کاغذ الیافی. البته بیشتر علائم در سنگ حک شده‌اند. متون مختلفی نیز در نعل درگاه‌های تیکال<sup>۲</sup> یا نقوش برجسته پالنکه<sup>۳</sup> صدف‌های کوپان<sup>۴</sup> و بلیسه<sup>۵</sup> و فلزهای چیچن ایتسا<sup>۶</sup> و کتبی از کاغذ الیافی دیده می‌شوند. تمامی این‌ها که نام بردیم، به جز سنگ نوشته‌ها و کتاب‌ها یا درواقع تصویر نگاشت‌ها از کاغذ الیافی، چنان به ندرت یافت شده‌اند که امکان دارد آن چنان که شاید و باید به آنها توجهی نشده باشد.

سنگ‌ها حامل دست‌نوشته‌های مختلفی هستند که رایج‌ترین آنها ستون‌واره‌های مایا یا الواح منقوش قائم است. بعضی از آنها بیش از هفت متر و نیم بلندی دارند. در سمت جلو و پشت آنها پیکرهایی حک شده و در طرفین هیروگلیف‌ها دیده می‌شوند. همچنین تک‌سنگ‌هایی به چشم می‌خورد که کوتاه‌تر از ستون‌واره‌ها است و قربانگاه نام دارد و دارای سنگ نوشته است.<sup>۷</sup> این قوم مجسمه‌هایی از خدایان خویش می‌ساختند و هیروگلیف‌های منقش بر آنها بیانگر این بود که این خدایان که هستند و قلمرو آنان چیست.<sup>۸</sup>

متون هیروگلیفی اقوام مایا زبان، آنچنان که در تصاویر آثار به نظر می‌رسد، کلاً متشکل از قطعاتی به اندازه‌های مختلف است که به نظر من معمولاً چهار گوش‌اند و گوشه‌های مدور دارند. البته در تصویر نگاشت‌ها گلیف‌های بیضی شکل هم دیده می‌شود. قطعات گلیفی می‌تواند دارای پهنا و بلندی مساوی باشد یا این که پهن‌تر باشد تا بلندتر و در موارد اندکی نیز بلندتر است تا پهن‌تر. گاهی در آغاز متن دو تا چهار گلیف با اندازه‌های بزرگ‌تر دیده می‌شود که امریکاشناسان به آن نام «گلیف آغازین» داده‌اند. هر یک از هیروگلیف‌ها می‌تواند عنصری باشد، اما به این عنصر میانوند و وندهای متعدد دیگری هم افزوده می‌شود. میانوند را به درون صورت‌نگاشت مفهوم اضافه می‌کنند و وند به حاشیه خارجی آن یا درواقع به کنار آن افزوده

4. Thompson

5. Tikal

6. Palenque

7. Copan

8. Belize

9. Chichen Itza

10. S. G. Morley. 1975, *Maya Hieroglyphs*, Dover publication, INC. N. Y. pp. 22-23.

1. members, tripod. Com / elpage 6 / Maya - htm

می‌گردد. بعضی از این هیروگلیف‌ها وند ندارند. اجزایی که می‌توانند به عنصر اصلی اضافه شوند، عبارتند از پیشوند که به سمت چپ و نیز پسوندی که به بالای هیروگلیف افزوده می‌شود، «وندِ زَبَرِ زنجیری»<sup>۱</sup> به سمت راست و پسوندی نیز به پایین اضافه می‌گردد. در بعضی موارد، وند می‌تواند از سمت چپ به بالا رود یا برعکس. برای مثال وندِ زَبَرِ زنجیری ماه‌های معینی گاهی اوقات در سمت چپ هستند، فقط برای آن که شکل قرینه شود، اما معنای آن تغییر نمی‌کند. همچنین جای وند در سمت راست و در زیر می‌تواند با یکدیگر عوض شود.<sup>۲</sup>

تامپسون سال‌های پیش در کاتالوگ خود ۴۹۲ نشانه اصلی و ۳۷۰ پسوند و پیشوند را برشمرده است،<sup>۳</sup> اما به عقیده وی می‌توان تغییرات جزئی را حذف کرد و تعداد همه آنها را در حدود ۷۵۰ نشانه تخمین زد.

نشانه‌ها ترسیماتی چند شکلی هستند که در آن‌ها نگاره‌هایی به صورت خطوط در هم تابیده خودنمایی می‌کند. این نشانه‌ها غالباً چهره انسان، دست در حالات مختلف، چهره خدایان با ویژگی‌های حیوانی، سر حیوانات و پیکرهای اسطوره‌ای را می‌نمایاند. تعداد زیاد نشانه‌ها حاکی از آن است که با خط هجایی محض سر و کار نداریم، زیرا برای چنین چیزی به تعداد بسیار کمتری نشانه نیاز بود. احتمالاً با سازگانی آمیخته رویارو هستیم که معانگار<sup>۴</sup> و هجاهای علایم صورتی را به یکدیگر متصل می‌کنند، مانند صورت‌نگاشت ماهی یا اره‌ماهی، شوک<sup>۵</sup> که از لحاظ آوایی نیز شوک خوانده می‌شود و به معنای شمارش است.

متون غالباً با تصاویر مختلفی کامل شده‌اند. بازنمودهای تصویری بدین طریق از خط متمایز می‌شوند که در سطور نظم نیافته‌اند و یا نحو تطابق ندارند. همچنین نمی‌توان تمثال‌شناسی و کتیبه‌شناسی را از یکدیگر مجزا کرد. گلیف‌های «تمام پیکر» تجسم خط هستند. باید بعضی از صور عجیب را نیز مانند متون خواند، زیرا عناصر آن در واقع همان نقش گلیف را بازی می‌کنند و اغلب با آن‌ها ادغام شده‌اند. در واقع جدایی‌ناپذیری ذهن و تصویر را می‌توان با ارجاع به مجسمه‌هایی به ثبوت رساند که به بنا متصل نیستند. در پوشش سر و جامه نقوش شهریاران بر روی ستون‌واره‌ها، نمادهای دینی، کیهان‌شناسی و غیره دیده می‌شود و غالباً از عناصری تشکیل شده که به گلیف اندیشه‌نگارانه یا تصویرنگارانه نزدیک است. کشف رمز این عناصر

۲. (Super fix)، تکیه تمایز دهنده، چون گویند تکیه آهنگ صدا زبَرِ زنجیری است، یعنی در زنجیره گفتار نیست. برای مثال ولی به معنای پدر و اما است. این واژه با تغییر تکیه معنای متفاوتی می‌یابد.

3. J. Eric Thompson, 1971, *Maya Hieroglyphic writing*. Uni. Of Oklahoma Press, Norman. PP. 36 37.

4. J. Eric Thompson, 1970, *Catalog of Maya Hieroglyphs*. Uni. Of Oklahoma Press, Norman. P. 22.

۱. یعنی نشانه‌های مفاهیم، برای مثال صورت‌نگاشت برای مراحل زمانی مختلف.

در مراحل بسیاری صورت پذیرفته است. یکی از نخستین مراحل صرفاً به تصویر نگاشت‌ها، یعنی دست‌نگاشت‌های بعد از کلاسیک اختصاص یافت و کوشیدند تا گلیف مطابق با واژه‌های مایا را بیابند، سپس در مورد کتیبه‌ها نیز تلاش‌هایی کردند که به تقویم مربوط می‌شد. در مرحله دیگری تحقیقات تامپسون و کشف وی دربارهٔ پسوند و پیشوند تمیز داده شد، آن‌گاه برلین<sup>۱</sup> و پروسکوریاکف<sup>۲</sup> معنا و شرح تاریخی کتیبه‌ها را به عهده گرفتند، در حالی که کنوروزف<sup>۳</sup> بر اجزای آوایی خط تأکید ورزید.<sup>۴</sup>

به هر حال تاکنون متوجه شده‌اند سه دستنویس هیروگلیفی که از این قوم باز مانده است، حاوی بیش از ده هزار گلیف است. پس از مطالعه و بررسی مقایسه‌ای این گلیف‌ها به این نتیجه رسیدند که اساساً سازگان نوشتاری قوم مایا به تعداد معدودی علامت صوتی و تعداد معینی تصویرنگار محدود است. با این عناصر گرافیکی می‌توان هزاران هزار هیروگلیف ترکیبی را شکل داد. این عناصر ساده گرافیکی می‌تواند تکرار یا ترکیب شود برای آن که واژه‌های جدید یا هجاهای جدیدی را شکل دهد. از این عناصر ساده گرافیکی ما تعداد معینی را کشف رمز کردیم که با توجه به آن توانستیم صدها هیروگلیف دیگر را کشف رمز کنیم.<sup>۵</sup>

یکی از فرض‌های تغییرناپذیر برای کشف رمز گلیف‌ها بازسازی زبانی است که کتیبه‌های کلاسیک به آن زبان نوشته شده است. شاید هم باید زبانی علمی را تصور کنیم که صرفاً کاهنان و اشراف به کار می‌برده‌اند و با وجود تجزیه و تقسیم سیاسی و زبانی مناطق مایا در تمام شهرهای دوره کلاسیک رواج داشته است.

هیروگلیف‌ها در ستون‌های موازی یکدیگر شکل گرفته‌اند و طرز خواندن هر یک از آنها از سمت چپ به راست و از بالا به پایین است. هر یک از علائم نیز در تصویرنگاشت‌ها به دو شکل نشان داده شده است. یکی به شکل معمولی و دیگری به صورت سر ایزد، انسان، مار، پرنده و یا موجودات اسطوره‌ای دیگر. بعضی از علائم شکل سومی هم دارند. تاکنون تعداد بسیار ناچیزی از هیروگلیف‌ها را خوانده‌اند، ولی هنوز معلوم نشده است که سازگان خط مایا تا چه حد عناصر آوایی در بر دارد. کنوروزف مدعی است به پیشرفت‌هایی در این زمینه نائل آمده است، ولی محققان دیگر، از جمله تامپسون در مقابل اظهارات وی تردید دارند. بسیاری از این علائم انتزاعی هم هستند و در مجموع این احساس به آدم دست می‌دهد که گروه کوچکی بر این هنر تسلط داشته‌اند.

1. Berlin

2. Proskouriakoff

3. Knorozov

4. Baudez, C. F. Becquelin, p. 1985. *Universum der Kunst: Die Maya*. C. H. Beck. München. pp.23-25.

5. titan, glo.be/~ k@00407 /writing 1-htm

در متون مایا هر صورت‌نگاشتی در واقع تصویری کامل است و معنای آن وابسته به گلیف دیگر نیست، اما اجزای مختلفی در آن به چشم می‌خورد که دستخوش تغییرات چشمگیری می‌شوند. چون علامت مرکب برآیندی ممکن است صرفاً طرحی متوازن و هماهنگ نباشد، بلکه دقیقاً فضای تخصیص یافته به آن را پر کند. این تغییرات که احتمالاً به هیچ وجه تأثیری بر مفهوم آن جزء نمی‌گذارند، تحریف کننده‌اند، برای مثال آنچه در تصویر یک از a تا e نشان داده شده است، چنین موردی را می‌نمایاند: در a و b چیزی را داریم که می‌تواند شکل معمولی یا با قاعده این عنصر نامیده شود. بازوی فوقانی در c به دلیل قرینه‌سازی در گلیف مرکب حذف شده، در حالی که در d از بازوی تحتانی به دلیل فضا برای گلیف صرف نظر شده است و سرانجام در e هر دو بازو حذف شده و این جزء به نشانه‌ای مبدل گشته است که احتمالاً می‌توان گفت ویژگی اصلی این گلیف است، به ویژه، چون هیچ نظمی در وضع بازوهای این شکل‌های متعارف نیست.<sup>۱</sup>

### ۱. گلیف‌های دست‌های متقاطع نامیده شده

نکته دیگری که بسیار مهم است، تعیین اجزای اصلی گلیف‌های مایایی است. بدین منظور نحوه استفاده از انواع گلیف‌هایی شرح داده می‌شود که «سر» نامیده شده است. طرح کلی این نوع گلیف‌ها، همان‌طور که شکل ۲ نشان می‌دهد، به صورت سر انسان یا سری نامعقول و عجیب و غریب نموده شده است که با جزء اصلی شکل مورد نظر تغییر یافته است.

1. S. G. Morley, 1975. *Maya Hieroglyphs*. Dover publication INC. N. Y. p. 25.

## ۲. گلیف‌های معمولی و گلیف‌هایی که «سر» نامیده شده است

نخستین مرحله در خصوص گسترش گونه‌های سر در شکل ۲ و در a و b دیده می‌شود که در آن کل گلیف a در پوشش سر گلیف b به کار رفته است. معنای هر دو گلیف یکی است. مرحله بعدی در شکل‌های c و d است که طرح کل گلیف c تغییر یافته است تا سر نامعقول d درست شود. هر چند در هر دو گلیف عناصر اصلی یکی است. در e می‌بینیم که طرح وسط آن برای شکل دادن به گلیف f به کار رفته است، یا برای مثال جزئی از طرح گلیف g را می‌بینیم که در h به شکل کوچک‌تری مورد استفاده قرار گرفته و تغییرات به همین صورت ادامه یافته است.<sup>۱</sup> به هر حال با توجه به گلیف‌های مایایی، دانشمندان سه نظریه اصولی زیر را برای خط مایا در نظر گرفتند و در خصوص آن به بحث پرداختند:

۱- گلیف‌ها آوایی هستند، هر یک معرف صدایی خاص و کاملاً منفک از باز نمود هر فکر یا اندیشه‌ای است.

۲- گلیف‌ها اندیشه‌نگارانه‌اند. هر یک به خودی خود معرف فکر یا اندیشه‌ای کامل است.

۳- گلیف‌ها آوایی و اندیشه‌نگارانه‌اند. ترکیبی از مورد یک و دو نیز به چشم می‌خورد.<sup>۲</sup>

از آن رو که تاکنون تمام تلاش‌ها برای آن که گلیف‌ها را به نظام آوایی الفبایی کاهش دهند، با شکست مواجه شده است، پس واضح است که نخستین نظریه نمی‌تواند مورد قبول واقع شود.

دیه گودلاندا<sup>۳</sup> سه نوع شیوه نگارش برای نوشتن کلمات را ذکر کرده است و فهرستی متشکل از ۲۷ علامت آوایی را یادداشت کرده که تاکنون «الفبای لاندا» نام دارد.<sup>۴</sup> وی که چند سال پس از فروپاشی امپراتوری مایا به آنجا رفته است، بر این

1. Ibid. P. 26

2. Ibid. P. 27

1. Diego de Landa

2. Yuri V. Knorozov, 1967. *Selected Chapters from the writing of the Maya Indians*. Cambridge, Peabody Museum, P. 22.

اعتقاد تأکید ورزیده که قوم مایا با یاری علایم هجایی می‌نوشته‌اند، گرچه تامپسون معتقد است بسیاری از علایمی را که لانددا ذکر کرده است، نمی‌توان بدون یاری تجسمی زنده تشخیص داد. به هر حال این ۲۷ صدا عبارتند از: *a*، *b*، *c*، *e*، *t*، *h*، *i*، *ca*، *k*، *l*، *m*، *n*، *o*، *pp*، *p*، *eu*، *ku*، *x*، *v*، *z*.<sup>۱</sup> علایم این الفبا که نخست در سال ۱۸۶۴ منتشر شد، مورد استقبال امریکاشناسان قرار گرفت و گمان کردند بر اسرار این قوم دست یافته‌اند، اما متأسفانه موفقیتی نداشت. این شکست با بررسی‌های دکتر برینتون<sup>۲</sup> موجب پیدایی نظریهٔ دوم مبنی بر این نکته شد که علایم اندیشه‌نگارانه‌اند. برای مثال *a* در شکل ۳ ارزش آوایی کین<sup>۳</sup> و نشانهٔ *b* ارزش آوایی یاش<sup>۴</sup> را دارد. با مثالی این مورد را واضح‌تر مورد بحث قرار می‌دهیم: ارزش آوایی تون<sup>۵</sup> با گلیف *g* بیان می‌شود و صدای *ca* (*k=c*) به وسیلهٔ نشانهٔ *h* صدای کاتون<sup>۶</sup> در گلیف *i*، یعنی ترکیبی از این دو نشان داده شده است. به هر حال باید خاطر نشان کرد که گلیف‌های فوق الذکر کاملاً مستقل از ارزش آوایی خود هستند. کنش اصلی آنها فهماندن اندیشه‌ها بوده است و مفهوم آوایی آنها در درجهٔ دوم اهمیت قرار داشته است.<sup>۷</sup>



۳. منظور از دو نوع صدا، به طور معمول، در مورد حروف صدا دار آواهای کوتاه یا بلند است و در مورد حروف بی‌صدا، منظور مصوت و صامت است.

4. Brinton

۵. Kin = روز، خورشید، زمان

۶. Yax = یکی از ماه‌های سال

۷. tun = دورهٔ ۳۶۰ روزه

۸. Katun = ۷۲۰۰ روز

9. S. G. Morley. 1975. *Maya Hieroglyphs*. Dover Publication. INC. N. Y. p. 28.



### ۳. گلیف‌هایی که مبنای فونتیکی دارد

اخیراً به این نتیجه رسیده‌اند که بنابر تجزیه و تحلیل‌های خط نگاشتی، سازگان نوشتاری که در تصویرنگاشت‌های مایا استفاده شده از تصویرنگاری منشعب شده است. در آن زمانی که تصویرنگاشت‌ها نگاشته شده‌اند خط به سازگانی هجایی و تقریباً الفبایی تحول یافته که چند بازمانده کهن خط نگاری و حتی شمایل‌نگاری را حفظ کرده است. اگر فتوحات اسپانیایی‌ها نبود، سازگان نوشتاری مایا به سازگان آواشناختی کاملی مبدل می‌شد، یعنی خط کاملاً الفبایی و هجایی می‌گشت.<sup>۱</sup> در هر حال اکنون مشخص شده است که خط مایایی چند ارزشی است. این خط خارق‌العاده و گیج‌کننده است. ویژگی چند ارزشی عناصر گرافیکی، هیروگلیفی، پسوند و پیشوند معمولاً به صورت یکی از شکل‌های زیر، یعنی به شکل تصویرنگار،<sup>۲</sup> اندیشه‌نگار،<sup>۳</sup> علامت صوتی<sup>۴</sup>، شمایل‌نگار،<sup>۵</sup> نجوم‌نگار،<sup>۶</sup> تعیین‌گر،<sup>۷</sup> صنعت ادبی قلب (قلب‌نگار)<sup>۸</sup> یا هم‌نگار<sup>۹</sup> است.

در این جا به چند مثال در این خصوص بسنده می‌کنیم: در گلیف همیشه<sup>۱۰</sup> (ش. ۴)، یعنی نخستین روز تقویم مایا، در واقع این گلیفی است که با دو گروه عنصر گرافیکی ترکیب شده است. کلمه همیشه از دو بخش ایم + ایش تشکیل شده که ایم به معنای سینه یا دقیق‌تر بگوییم به معنای «نوک سینه» است و ایش به جز معنای دیگر، نام زنان یا حیوانات ماده را هم معین می‌کند. با مطالعه تمام تصاویر سینه‌های زنان که در تصویرنگاشت‌ها به صورت شمایل‌نگاری ترسیم شده است، روشن می‌شود که گروه فوقانی نشانه‌ها واقعاً نوک سینه (= ایم) زنان را نشان می‌دهد. در نتیجه، می‌توان گفت که گروه تحتانی نشانه‌های روز گلیف همیشه ارزش ایش را دارد. با محاسبه ارزش‌های اندیشه‌نگارانه یا آواشناختی قوم مایا این و دیگر تصویرنگارها را بعدها به صورت نوعی معمای تصویری نگاشتند و نویسندگان رفته رفته سازگان نوشتاری را اصلاح کردند.<sup>۱۱</sup>

اما در مورد شکل‌های مختلف باید گفت که تصویرنگار زمانی اندیشه‌نگار می‌شود که برای مثال اندیشه‌ای را در رابطه با آن منتقل کند. برای مثال وقتی دایره یا قرص دیگر خورشید را نشان ندهد، بلکه تصورات «گرما»، «نور» یا «روز» را برساند،

1. titan.glo-be/~k000407/writing 1.htm
2. Pictogram
3. ideogram
4. Phonogram
5. iconogram
6. astrogram
7. determinative
8. anagram
9. Synogram
10. titan.glo.be/~Kg000407/writing 1.htm
1. Ibid.

تصویرنگار اندیشه‌نگار می‌شود. شکل شماره ۵ چند مثال اندک از مثال‌های بسیار را می‌نمایاند. برای مثال پوست مار یا چان<sup>۱</sup> معرف تمام حیوان است، لبه لاک سنگ پشت یا اک<sup>۲</sup> نیز نشان‌دهنده این حیوان است و صلیب به معنای «گره زدن چلیپاوار» یا کاش سینان<sup>۳</sup> است و یا اثر پا در ماسه نشان‌دهنده «حرکت، رفتن» است و غیره. اندیشه‌نگار یا تصویرنگار به زبانی خاص اختصاص ندارد، بلکه درست مانند علائم راهنمایی و رانندگی در شمار نشانه‌های جهانی است.<sup>۴</sup>

ش. ۴

ش. ۵

در خصوص علامات صوتی باید گفت تا آنجا که به خط مایا مربوط می‌شود، به نظر می‌رسد که این علامات از تصویرنگار، اندیشه‌نگار یا شمایل نگارها مشتق شده‌اند. بعضی از نشانه‌ها در دستنویس‌های مایا، بسته به ضرورت متن، هم به جای تصویرنگار و هم علامت صوتی به کار رفته‌اند. شمایل‌نگار درواقع ترسیم خاصی است که بخشی از تصاویر تصویرنگاری است و به ندرت به عنوان هیروگلیف یا پسوند و پیشوند در متن ظاهر می‌شود. درواقع می‌توان شمایل‌نگار را تا آنجا که به شکل ظاهری آن مربوط است به عنوان تصویرنگار ملاحظه کرد، ولی آن در درون هیروگلیف با عناصر گرافیکی اصوات صوتی تکمیل شده است. آخری نام را شکل می‌دهد و یا حاکی از کاربردها یا ویژگی‌های مورد مربوطه است.<sup>۵</sup>

2. Chan

3. Ac

4. Kax, Zinaan

5. titan.glo.be/~Kg000407/writing 1.htm

1. Ibid

درخصوص نجوم‌نگار باید گفت با توجه به اهمیتی که ستاره‌شناسی در زندگی دینی، سیاسی و زراعی این قوم داشت، پس جای تعجب نیست که نجوم‌نگار یا نشانه‌هایی بیابیم که ستارگان یا ثوابت را در دستنویس‌های هیروگلیفی می‌نمایانند. درواقع از هیروگلیف‌های خاصی استفاده شده است تا اجرام سماوی را نشان دهند، مثل ستارگان، سیارات، خورشید، ماه و غیره. خطوط کناره‌نمای این گلیف‌ها از اساس تغییر می‌کند و چهارگوش می‌شود.

درخصوص تعیین گر باید گفت که تاکنون فقط یک نشانه یافته‌اند که احتمال دارد بتوان آن را مانند نشانه‌های تعیین‌گری که در هیروگلیف‌های مصری است، به عنوان تعیین‌گر ملاحظه کرد. این نشانه کان<sup>۱</sup> به معنای آسمان است که در هیروگلیف روز سیب<sup>۲</sup> یافت شده است. تاکنون با مورد دیگری مواجه نشده‌اند، اما شاید آنچه بتواند به عنوان نوعی خاصی از تعیین‌گر ملاحظه شود، ارائه گلیف به شکل سر حیوان برای حیوانات مقدس و به شکل سر انسان برای نام‌های خدایان و نیز به شکل دست برای حالات و حرکات مهم است.<sup>۳</sup>

یکی از مهم‌ترین رویدادها در روند کشف رمز خطوط مایا کشف «صنعت ادبی قلب» بوده است. منظور از آن گلیف‌هایی است که از یک یا چند عنصر گرافیکی جداگانه تشکیل شده است. همچنان که احتمال دارد از روش چند قرائتی برای عناصر گرافیکی مرکب با یاری تغییر ترتیب آنها استفاده شود که اجزای مختلف خوانده شوند، درک شدنی هم هست که باید واژه‌های متفاوت و در نتیجه معانی مختلف را به دست آوریم. از جمله هیروگلیفی است که قبلاً برای ایمیش ذکر شد. درست است که این واژه به طور تحت‌اللفظی به معنای سینه زن است، اما در آغاز نمی‌شد فهمید چرا قوم مایا این واژه را صدها بار در دستنویس‌ها و یادمان‌های خویش ذکر کرده‌اند. پژوهشگران در سال ۱۹۶۶ پاسخ را یافتند. نشانه فوقانی گلیف بنابر تصاویر شمایل‌نگاری سینه زن را نشان می‌دهد، یعنی به وضوح ایم = سینه یا نوک سینه است.<sup>۴</sup>

به هر حال نشانه تحتانی می‌تواند معادل با ایش باشد. چون گلیف برای روز ایمیش دو عنصر گرافیکی دارد پس به عنوان صنعت ادبی قلب به دو طریق هم می‌توان آن را خواند، یعنی یا ایم + ایش = ایمیش و یا ایش + ایم = ایشیم. در ۲۱ زبان مایا، ایشیم به معنای ذرت است. واقعاً قوم مایا «مردمان ذرت» بودند. ذرت غذای اصلی آنان بود و به همین دلیل ما این قدر زیاد با گلیف ذرت در متون مواجه می‌شویم. پس می‌شود گفت که استفاده بعدی از آن در اکثر موارد همان تلفظ ایشیم، یعنی ذرت است.

2. Caan

3. Cib نام یکی از روزهای مایا

4. Ibid

1. Ibid

آخرین نکته‌ای که باقیمانده، سخنی چند درباره‌ی هم نگار است. بدیهی است که واژه‌های هم تلفظ نیز با نماد یا گلیفی مشابه ارائه شده‌اند. بزرگ‌ترین مشکل در کشف رمز نوشته‌های مایا این است که یک نشانه می‌تواند مترادف را هم نشان دهد در چنین مواردی فقط یک فرهنگ لغت خوب می‌تواند کمک کند. هدف مهم این است که معنی اصلی نشانه یا گلیف و یا عنصر گرافیکی را یافت.<sup>۱</sup>

نظریه‌ای که بیشتر مورد قبول است، این است که گلیف‌ها در ضمن این که عمدتاً اندیشه‌نگارانه‌اند، گاهی آوایی هم هستند. این نوع را دکتر بریتون آیکونوماتیک<sup>۲</sup> نامیده است. در این نوع خط، علایم حاکی از اندیشه‌اشیا نیست، بلکه شامل آواهای نام آنها است. در هر حال، چون خط بسیار پیچیده بود و مدارک بر جای مانده فقط در خصوص مضامین اندکی است، می‌توان پذیرفت که منحصرأ اشرف و شاید نیز فقط کاهنان، متون هیروگلیفی را می‌فهمیدند. در دوره‌ی بعد از کلاسیک که مصادف با کشف آمریکا است، هیچ مدرکی در دست نداریم که کارکنان یا بازرگانان این خطوط را به کار برده باشند، اما باید متذکر شوم که بی‌تردید بسیاری از روایات و گزارش‌های تاریخی و مذهبی هم در تصویرنگاشت‌های مایا موجود بوده است که اسپانیایی‌ها آن‌ها را سوزاندند و از بین بردند.

## منابع

- Baudez, C. F. Becquelin, P., 1985, *Universum der Kunst Die Maya*, C. H. Beck, Munchen
- Knorozov, Yuri V. *Selected Chapters from the Writing of the Maya Indians*, Cambridge, Peabody Museum, 1967.
- Morely, S. G. *Maya Hieroglyphs*, Dover Publication. INC. N. Y. 1975.
- Thompson, J. Eric. *Catalog of Maya Hieroglyphs*, University of Oklahoma Press, Norman, 1970.
- \_\_\_\_\_, *Maya Hieroglyphic Writing*. University of Oklahoma Press, Norman, 1971.
- Tozzer, Alfred M. *A Maya Grammer*, Milwood, N. Y. Kraus Print Co, 1974.
- members. tripod.com/elpage6/maya.htm

### 2. Ibid

۱. Ikonomatic، وابسته به دوره‌ی حد فاصل میان خط تصویری و ابتکار حروف الفبا. از آن رو که شکل این هیروگلیف‌ها در واقع فرمی میان خط تصویری و حروف الفبا است و امریکاشناسان این واژه را به همین صورت پذیرفته‌اند و حتی آوانویسی لاتین آن در زبان‌های مختلف تغییر نمی‌کنند، در نتیجه در زبان فارسی هم به همان صورت آورده شده است.

S. G. Morley. 1975. *Maya Hieroglyphs*. Dover Publication. INC. N. Y. p. 26 hHp:ll members. Tripod. Com/elpage6/maya.htm

[titan.glo.be/~Kg000407/writing 1.htm](http://titan.glo.be/~Kg000407/writing 1.htm)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی